

جایگاه سالمندان و چگونگی ارتباط با آنها از دیدگاه اسلام

سمیه داداش زاده^۱

چکیده

این پژوهش با عنوان جایگاه سالمندان و چگونگی ارتباط با آنها از دیدگاه اسلام به روش کتابخانه ای و با ماهیت توصیفی به بیان جایگاه سالمند و چگونگی ارتباط با آنها می‌پردازد. در فرهنگ اسلامی یکی از مهم ترین مسائل نزد شارع مقدس همواره جایگاه سالمند و حسن رفتار با سالمندان هست خصوصاً والدین سالمند که مورد تأکید فراوان است. این مقاله با استناد به آیات قرآن، احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، به بررسی جایگاه سالمندان و نحوه تعامل و رفتار شایسته با آنان از منظر اسلام پرداخته است. محورهای اصلی مقاله پس از بیان جایگاه سالمند شامل لزوم تکریم، اجلال و توقیر سالمندان است و پس از آن چگونگی ارتباط با والدین سالمند بیان گشته؛ هدف از نگارش این مقاله بازنمایی آموزه‌های اخلاقی و دینی اسلام در جهت تقویت بنیان خانواده و جامعه با محوریت تکریم بزرگ‌ترها می‌باشد.

کلیدواژه: اسلام، سالمند، فرزندان، والدین.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه خواهران حوزه علمیه الزهرا ارومیه

مقدمه

سالمندی، مرحله‌ای از زندگی انسان است که با ضعف جسمی، روحی و افزایش نیاز به حمایت همراه است. در چنین مرحله‌ای، نقش خانواده و جامعه در حمایت، محبت و بزرگداشت این قشر آسیب‌پذیر بسیار حائز اهمیت است. دین مبین اسلام، با نگاه رحمت‌محور، ارزش‌گذار و اخلاقی به سالمندان نگرسته و با تأکید بر حفظ کرامت انسانی آنان، توصیه‌هایی روشن و صریح در آیات قرآن و روایات معصومین(ع) ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین محورهای این توصیه‌ها، تکریم والدین سالمند و نهادینه‌سازی رفتارهای نیکو و دلسوزانه نسبت به آنان است. ضرورت پرداختن به این مسئله از آن جهت است که در جامعه‌ی کنونی که آمار سالمندی رو به افزایش است با الگوگیری غلط از جوامع غربی خانه‌ی سالمندان در حال گسترش هست و حال آن‌که این امر با دستورات اسلام منافات دارد پس لازم است در این زمینه کارهای پژوهشی انجام شود تا فرهنگ اسلام گسترش یابد و تبیین گردد.

با توجه به جست و جوهای انجام شده در این زمینه میتوان به کتبی چون: بهداشت روان سالمند در قرآن وحدیث از فاضل بهرامی و مقالاتی چون: الف) شان و جایگاه سالمندان در اسلام از حیدری ب) کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات از محمدامین صادقی ارزگانی را نام برد. وجه تمایز این مقاله با سایر موارد کار شده در این زمینه آن است که این مقاله برخلاف سایر مورا دمباحث گسترده ندارد بلکه به چگونگی ارتباط با سالمندان پرداخته و پس از آن نیز به چگونگی ارتباط با والدین سالمند پرداخته که پیرامون ارتباط با سالمندان و چگونگی ارتباط با آن ها بسیار کامل است زیرا هر فرد یک تعامل کلی با سالمندان دارد و یک تعامل دیگر با والدین سالمندش که لازم است چگونگی برقراری ارتباط با آنان را بداند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سالمند

سالمند در لغت فارسی به معنای سالدار، سالدیده، کلانسال، سالخورده^۱ پیر، مسن، بزد برآمده، بزرگ سال ذکر شده است.^۲

در اصطلاح مرحله پایانی عمر انسان است که در آن قوای جسمی، روحی و روانی انسان رو به ضعف و کاهش می‌گذارد.^۳

سالمند به عنوان یک اصطلاح در بزرگسالی به افرادی گفته می‌شود که پس از گذراندن دوره بلوغ به سن پیری رسیدند. منظور از دوره سالمندی، همان دوران سالخوردگی است که مرز آن با توجه به جوامع و فرهنگ‌های متفاوت، ممکن است بسیار متغیر باشد. در حال حاضر بسیاری از کشورها سن بالای ۶۵ سال را به عنوان سن سالمندی در زنان و مردان در نظر می‌گیرند. در صورتی که فرد به این سن رسیده باشد، وی را به عنوان سالمند شناخته و برای وی نیازها و خصوصیات منحصر به فردی در نظر گرفته می‌شود.^۴

۲- جایگاه سالمند از دیدگاه اسلام

هرچند در عصر کنونی به سبب تغییرات فراوان در عرصه‌های گوناگون زندگی ساختار خانواده‌ها نیز دستخوش تغییراتی شده اما همچنان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده‌ها تکریم سالمندان است. سالمندان؛ ستونی استوار در خانواده هستند و با وجود و حضورشان برکت و سعادت همراه می‌آورند؛ از این رو در دین مبین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند.^۵

سالمندی در اسلام آن قدر ارزشمند است که یکی از پیامبران خدا (صل الله علیه وآله) به نام حضرت زکریا (علیه السلام) در مناجات با پروردگار عالم به آن توسل می‌نماید که این

۱. معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۳۶۹

۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۵۶۹

۳. قرقوز، طب در قرآن، ص ۱۱۹

۴. شیرین زاده، سالمند کیست؟، ص ۲

۵. حیدری، شان و جایگاه سالمندان در اسلام، ص ۵

دلیل بر ارزشمند بودن پیری است. « ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِياً* إِذْ نَادَى رَبُّهُ نِدَاءً خَفِيًّا* قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا^۱ » آیاتی که بر تو خوانده می شود یاد رحمت پروردگارت بر بنده اش زکریاست* هنگامی که پروردگارش را با دعایی پنهان خواند* گفت: پروردگارا! به راستی استخوانم سست شده و موی سرم از پیری سپید گشته، و پروردگارا! هیچ گاه درباره دعا به پیشگاهت از اجابت محروم و بی بهره نبودم.» همچنین در روایات پیرامون منزلت سالمندان احادیثی بیان شده است مانند: روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: «وجود پیران سالخورده بین شما باعث افزایش رحمت و لطف پروردگار و گسترش نعمت‌های الهی بر شماست.»^۲

قرآن کریم در آیات متعددی به مراحل گوناگون زندگی انسان همچون: زیست جنینی، دوران کودکی، جوانی و سالمندی و کهن‌سالی توجه خاصی داشته است. خداوند در سوره‌ی روم به گذر عمر انسان بر کره خاکی اشاره کرده و می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»^۳ خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست.»

در تفسیر این آیه‌ی شریفه آمده است خدا خلقت شما را از ضعف ابتدا کرد، یعنی شما در ابتدای خلقت ضعیف بودید و مصداق این ضعف به طوری که از مقابله بر می‌آید اول طفولیت است، هر چند که ممکن است بر نطفه هم صادق باشد. و مراد از قوت بعد از ضعف، رسیدن طفل است به حد بلوغ، و مراد از ضعف بعد از قوت، دوران پیری است، و لذا کلمه شبیه پیری را بر آن (ضعف) عطف کرد، تا تفسیر آن باشد، و اگر ضعف و قوت را نکره آورد، برای این است که دلالت کند بر ابهام، و معین نبودن مقدار، چون افراد در آن اختلاف

۱. مریم: ۴ و ۵

۲. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۲

۳. روم: ۵۴

دارند. به عبارت دیگر این آیه آفرینش انسان را دارای سه دوره تحول می‌داند که از ناتوانی آغاز می‌شود به مرحله قوت و نیرومندی می‌رسد و پس از مدتی دوباره رو به ضعف و ناتوانی می‌رود.^۱

شیب، شیخ، کبر و عباراتی همچون: ارذل العمر و وهن العظم به دوران سالمندی اشاره می‌کند و تعدادی از نشانه‌های کهنسالی را برمی‌شمارد؛ مثلاً در آیه‌ی چهار سوره‌ی مریم به سستی استخوان‌ها و در آیات سوره هود و ۵۴ سور حجر به سفیدی موی سرو ناتوانی از فرزندآوری اشاره می‌کند. همچنین در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی قصص ناتوانی در انجام کارهای سخت را از دیگر پیامدهای پیری بیان می‌کند.^۲

از منظر حضرات معصومین (علیه السلام)، بالا رفتن سن انسان ها سبب نزول بیشتر رحمت الهی می‌شود. چنانچه در روایتی امام صادق (علیه السلام) در این خصوص در روایتی می‌فرمایند: «مؤمن به پنجاه سالگی رسد، خداوند حسابش را سبک گیرد و چون به ۶۰ سالگی رسد، خداوند توفیق توبه را روزی او کند، هرگاه به ۷۰ سالگی رسید، خدا و اهل آسمان دوستش بدارند و هرگاه به ۸۰ رسید، خداوند فرمان به نوشتن حسنات و حذف بدی هایش دهد و هرگاه به ۹۰ سالگی رسید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را ببخشد و جزو اسیران خدا در زمین به حساب آید.»^۳ امام علی (علیه السلام) در روایتی پیرامون جایگاه و مقام سالمندان فرموده‌اند: «وقار پیری، نزد من دوست داشتنی‌تر از نشاط جوانی است»^۴

۳- ارتباط با سالمندان از منظر اسلام

در اسلام در نحوه رفتار با سالمند سه راهبرد اساسی مطرح شده است که شامل توقیر اجلال و تکریم است. این سه راهبرد به نظر می‌رسد در عین آن که مفاهیمی نزدیک به هم

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۷

۲. حیدری، شان و جایگاه سالمندان در اسلام، ص ۵

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۸

۴. خوانساری، شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۷۹

جز احسان است؟» مخصوصاً وقتی که پدر و مادر به پیری رسیدند و عاجز و ناتوان گردیدند بایستی اولاد احسان درباره‌ی آن‌ها را مؤکد گردانند.^۱ در روایت آمده است: «عن ابی ولاد الحنات قال: سالت ابا عبد الله (ع) عن قول الله: «و بالوالدين احسانا» فقال: الاحسان ان تحسن صحبتها و لا تکلفها ان یسالاک شیئا هما یتحاجان الیه.» «ابی ولاد می گوید: معنای آیه و بالوالدين احسانا را از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم، فرمود: احسان به پدر و مادر اینست که رفتارت را با آن‌ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند. «یعنی قبل از درخواست آنان نیازشان را برطرف کنی»^۲ حضرت علی (علیه السلام) در توصیه‌ای می فرماید: «أَحْسِنْ کَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَیْکَ»^۳ «آن گونه که دوست داری به تو نیکی شود، نیکی کن» حتی سفارش شده است به کسانی که به ما بدی کرده‌اند، احسان کنیم، چنان که آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَیْکَ»^۴ «با آن که به تو بدی کرد، نیکی کن!» احسان آثار و نتایج ارزشمندی دارد با احسان می توان دل‌ها را به دست آورد، چنان که امام علی (علیه السلام) می فرماید: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبُ»^۵ «با نیکوکاری، دل‌ها تصرف می شود.» همچنین آن که نیکی می کند، نیکی خواهد دید. در این باره نیز ایشان می فرماید: «أَحْسِنْ يُحْسِنْ إِلَیْکَ»^۶ «نیکی کن تا به تو نیکی شود.» همچنان که هر نعمتی ممکن است دچار آفت شود، بخشنده‌گی نیز از این امر مستثنا نیست. آسیب‌های دوری از احسان، بخل و بازداشته شدن از کار خیر است. احسان نکردن ممکن است به از دست دادن توانایی‌ها بینجامد. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ قَطَعَ مَعْهُدَ إِحْسَانِهِ قَطَعَ اللَّهُ مَوْجُودَ إِمْكَانِهِ»^۷ «آن که احسان همیشگی را قطع کند، خداوند توانایی اش را از بین بین خواهد برد»

۱. امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ج ۷، ص ۲۹۳

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۴. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۷۹

۵. همان، ج ۳، ص ۲۲۸

۶. همان، ج ۲، ص ۱۷۹

۷. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۲۳

احسان نمودن به والدین امر عقلانی و فطری است؛ چنانکه امام سجاده (علیه السلام) فرموده است:

«اللَّهُمَّ اشْكُرْ لُهُمَا تَرْبِيَّتِي وَ أَثْنُهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ وَ أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلٍ أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلِ، أَيْنَ إِذَا.»^۱ «خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش بخش و در برابر گرامیداشت من جزا عنایت فرما و هر چه را در کودکی‌ام نسبت به من منظور داشتند، در حق آنان منظور دار. حق آنان بر من از حق من بر آنان، واجب‌تر و احسان‌شان به من پیشتر و دیرین‌تر و نعمت‌شان نسبت به من، عظیم‌تر از این است که بر اساس عدالت کارشان را تلافی کنم یا با آنان مانند آنچه را با من رفتار کردند، رفتار کنم.»

در این فراز، نکته‌های اخلاقی و انسانی تکریم سالمندان اشاره شده است. بر اساس اقتضای حکم اخلاقی، اگر کسی به انسان در هنگامه نیاز و ناتوانی‌ها احسان کند؛ باید در مقابل احسانش او را به صورتی بهتر و یا دست‌کم به اندازه‌ای که او نیکی نموده، جبران کند. بدیهی است چنانکه در این فراز اشاره شده است، هیچ کسی مثل پدر و مادر به انسان احسان نمی‌کند؛ بنابراین اگر کسی به حکم وظیفه شرعی در حال سالمندی به پدر و مادرش کمک ننماید، بر اساس حکم عقلی و اخلاق انسانی باید آن‌ها را مورد مهر و محبت خویش قرار دهد و در سن کهولت و پیری آنان، با آن‌ها احسان کند تا دست‌کم همه محبت و خوبی‌شان در زمان کودکی و نیاز انسان جبران شود. اگرچه خوبی و محبت آنان قابل جبران نیست، ولی در حد توان باید تلاش شود که با تکریم و پذیرش نگاه داشت آن‌ها در خانه و جمع خانواده، به یاری و توفیق الهی کمی خدمت‌هایشان را کمی جبران کند.^۲

نتیجه گیری

۱. امام زین‌العابدین (ع)، صحیفه سجادیه، دعای ۲۴

۲. صادقی ارزگانی، کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات، ص ۶

از دیدگاه اسلام، سالمندان به‌ویژه والدین، شایسته نهایت احترام، محبت، خدمت و توجه‌اند. رعایت حقوق و حفظ کرامت آنان نه تنها امری انسانی، بلکه تکلیفی شرعی و اخلاقی است که آثار فردی و اجتماعی گسترده‌ای در پی دارد. رفتار نیکو، سخن ملایم، دوری از آزار کلامی یا رفتاری، کمک و همراهی عملی در امور زندگی و دعا برای آن‌ها از مصادیق برجسته احسان محسوب می‌شود. آموزه‌های اسلامی ما را به نگاهی عمیق‌تر، مهربانانه‌تر و مسئولانه‌تر نسبت به سالمندان فرامی‌خواند؛ نگاهی که اگر در خانواده و جامعه نهادینه شود، زمینه‌ساز رضایت خداوند، استواری نهاد خانواده و تعالی انسانی خواهد بود. هرچند در عصر کنونی به سبب تغییرات فراوان در عرصه‌های گوناگون زندگی ساختار خانواده‌ها نیز دستخوش تغییراتی شده و بسیاری به تقلید از جوامع غربی با قرار دادن سالمندان در خانه‌ی سالمند موافق هستند اما همچنان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده‌ها تکریم سالمندان است. سالمندان؛ ستونی استوار در خانواده هستند و با وجود و حضورشان برکت و سعادت همراه می‌آورند؛ از این‌رو در دین مبین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و خداوند فرزندان را نسبت به والدین سالمندشان توصیه‌های فراوانی چون نیکی و احسان نموده که مربوط به زمانی است که یکی یا هر دوتای آن‌ها به پیری برسند و نزد فرزند زندگی کنند، و این زمانی است که آنان نیاز شدیدی به حمایت و محبت دارند و فرزند باید به جبران حمایت و محبتی که پدر و مادر در حال کودکی و ناتوانی او به او کرده‌اند، اکنون آنان را زیر بال خود گیرد.

* قرآن کریم

* صحیفه سجادیه

* نهج البلاغه

(۱) امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، [بی نا] - [بی جا] - [بی جا]، چاپ: اول

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش

(۳) بهرامی، فاضل، بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث، میرماه، چاپ وال، ۱۳۹۲ ه.ش

(۴) پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، (ترجمه علی اکبر مظاهری) قم، پارسیان، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش

(۵) جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، هجرت، قم، چاپ ۱۳۷۶، ۵ ه.ش

(۶) خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ه.ش

(۷) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ه.ش

(۸) رحمتی اراکی، رحمت الله فقه المنسوب الی امام رضا، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش

(۹) طبرسی، علی بن حسن، مشکات الانوار، قم، دارالثقلین، چاپ وال، ۱۳۹۲ ه.ش

(۱۰) طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جامعه مدرسین، قم، چاپ ۱۳۷۶، ۶ ه.ش

(۱۱) قرقوز، احمد، طب در قرآن، (ترجمه علی چراغی) تهران، حفیظی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ه.ش

(۱۲) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، ۱۳۷۹ ه.ش

(۱۳) معین، محمد، لغت نامه معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ه.ش

۱۴) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، (ترجمه کمره ای)، اسلامیة، تهران، ۱۴۱۵هـ

ق

۱۵) نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، چاپ: اول،

۱۴۰۸هـ.ق

۱۶)، مستنبط المسائل، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸هـ.ق

***مقالات**

۱) شیرین زاده، شیرین، سالمند کیست؟ انتشار در مقالات عمومی روانشناسی،

تابستان ۱۴۰۲هـ.ش

۲) حیدری، شان و جایگاه سالمندان در اسلام، فلسفه و کلام، نشریه درس‌هایی از مکتب

اسلام، مهر ۱۴۰۲ - شماره ۷

۳) صادقی ارزگانی، محمدامین، کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات، فصلنامه ره توشه،

شماره ۹، اسفند ۱۴۰۰